

نقش واسطه ای سبک های دلبستگی در رابطه بین ابعاد سرشت و منش و آلکسی تایمیا

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱۲

جهانگیر کرمی*، کامران یزدانبخش**، پروانه کریمی***

چکیده

مقدمه: تفاوت های سرشتی در رفتار دلبستگی نقش مهمی دارند. سبک دلبستگی، که از کودکی در چارچوب روابط مادر-کودک شکل می گیرد، تعیین کننده اصلی شیوه تنظیم هیجان هاست. بنابراین هدف پژوهش حاضر تعیین نقش واسطه ای سبک های دلبستگی در رابطه بین ابعاد سرشت و منش و آلکسی تایمیا بود.

روش: روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود. نمونه آماری شامل ۳۰۰ دبیر که با روش نمونه گیری خوشه ایی چندمرحله ای انتخاب و پس از جلب رضایت و همکاری در این پژوهش شرکت کردند و از آنها خواسته شد پرسشنامه سرشت و منش کلونینجر(TCI)، پرسشنامه آلکسی تایمیا تورنتو(FTAS) و پرسشنامه سبک های دلبستگی بزرگسالان(AII) را تکمیل کنند. تحلیل داده ها با محاسبه ضرایب همبستگی و تحلیل مسیر انجام گرفت.

یافته ها: براساس نتایج پژوهش، مدل پیشنهادی روابط بین متغیرهای مذکور، از برازش قابل قبولی برخوردار بود. نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که بعد سرشتی نوجویی و آسیب گریزی و بعد منشی خودراهبری با آلکسی تایمیا اثرمستقیم دارد؛ همچنین بعد سرشتی نوجویی و آسیب گریزی و بعد منشی خودراهبری، همکاری و خودفراروی با آلکسی تایمیا به واسطه سبک های دلبستگی نالیمن اثرغیرمستقیم دارد؛ بین بعد سرشتی آسیب گریزی، نوجویی و بعد منشی همکاری، خودفراروی با سبک دلبستگی نالیمن اضطرابی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

نتیجه گیری: براساس یافته های این پژوهش، می توان نتیجه گرفت که سبک دلبستگی نالیمن بین ابعاد سرشت و منش و آلکسی تایمیا دارای نقش واسطه ای می باشد.

واژه های کلیدی: سبک های دلبستگی، سرشت و منش، آلکسی تایمیا

* j.karami@razi.ac.ir

** kamran6@hotmail.fr

*** parvane.kareme1367@gmail.com

* دانشجویار، گروه روانشناسی عمومی دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

** استادیار، گروه روانشناسی عمومی دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

*** نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه

ثابت و پایدار می‌مانند. از سوی دیگر، منش منعکس کننده اهداف زندگی، نظام ارزشی و هیجانات خودآگاه فرد است، ولی ابعاد منش، کمتر اثری است و اغلب تحت تأثیر یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرد [۱۰]. کلونینجر در مدل زیستی- روانی خود این دو بعد را مطرح کرده است. وی مدل شخصیتی اولیه خود را که مدلی سه بعدی است براساس انتقال دهنده های عصبی دوپامین، سروتونین و نوراپی نفرین طراحی کرد و چهار صفت یا بعد سرشتی نوجویی^۵، آسیب‌گریزی^۶، پاداش وابستگی^۷ و پشتکار^۸ را به سه سطوح این ناقل های عصبی نسبت داده است. در حالی که منش شناسی شخصیت، به تفاوت های بین فردی در انگاره های مربوط به خودپنداره پیرامون اهداف و ارزش ها اشاره دارد. کلونینجر جنبه منشی شخصیت را دارای سه بعد می‌داند که عبارتند از خودفراروی^۹، خودراهبری^{۱۰} و همکاری^{۱۱} [۱۱]. نتایج پژوهش کلیکل و همکاران^{۱۲} [۱۲] نشان می‌دهد که نمره کل آلکسی تایمیا با پاداش وابستگی و خودراهبری و مولفه دشواری در شناسایی احساسات و دشواری در توصیف احساسات با خودفراروی و خودراهبری همبستگی منفی دارند. نتایج پژوهش های [۱۳، ۱۴، ۱۵] نیز نشان می‌دهد که پایین بودن پاداش وابستگی، خودراهبری و همکاری مسیرهای به سمت آلکسی تایمیا هستند و بالا بودن نمره در آسیب‌گریزی توان پیش بینی آلکسی تایمیا را دارد. همچنین پژوهش ها نشان می‌دهند که عوامل ارثی و تفاوت های سرشتی مزاج نیز در رفتار دلبستگی نقش مهمی دارند [۱۶، ۱۷]. مطابق نظریه بالبی^{۱۳} [۱۸]، انسان با یک سیستم روانی- زیستی به نام سیستم رفتار دلبستگی متولد می‌شود. هدف این سیستم، دستیابی به یک احساس ایمنی و حمایت شدگی واقعی یا ادراک شده از تعامل نزدیک و صمیمی با تصویر دلبستگی است [۱۹]. بالبی دلبستگی را یک رابطه ی عاطفی قدرتمند می‌داند که فرد را به یک مراقب مرتبط

سیفنوس^۱ در کار بر روی افراد مبتلا به اختلالات روان تنی، دریافت که بسیاری از این بیماران مشکل بزرگی در برقراری ارتباط هنگام مصاحبه بالینی و همچنین مشکلاتی در یافتن کلمات مناسب جهت توصیف احساس های خود دارند. سیفنوس واژه آلکسی تایمیا^۲ را به معنی «فقدان کلمه برای هیجان» درجهت توصیف این افراد به کار برد [۱]. آلکسی تایمیا اختلالی ویژه در پردازش هیجانی است که بیشتر به کاهش توانمندی در شناسایی و تشخیص هیجان ها اشاره دارد [۳، ۲]، این افراد قادر به تشخیص و تمیز دادن هیجان های خود نیستند و نمی‌توانند افکار و احساسات خود را درک و توصیف کنند و در آگاهی هیجانی، ارتباط با دیگران و بینش نسبت به احساسات خود نقایصی را نشان می‌دهند [۴]، بخصوص در شرایطی که انجام یک تکلیف چندان آسان نیست [۵]. آلکسی تایمیا سازه ای روانشناختی است که می‌توان آن را به دو بعد شناختی و خلقی تقسیم کرد. بعد شناختی آن با مشکلاتی در تشخیص، ابراز کلامی و تحلیل احساسات مشخص می‌شود و بعد خلقی آن کاهش سطوح تجارب و تصویرسازی ذهنی از هیجانات را شامل می‌شود [۶]. آلکسی تایمیا در ویرایش چهارم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی به عنوان یک اختلال روانی طبقه بندی نشده، بلکه ویژگی ای است که از شخصی به شخص دیگر از لحاظ شدت متفاوت می‌باشد [۷]. از این رو می‌توان گفت که آلکسی تایمیا به عنوان یک سازه شخصیتی چندوجهی با اختلال های طبی و روان پزشکی متعددی رابطه دارد و احتمالاً به گونه ای نرمال در جمعیت عمومی توزیع شده است و روی یک پیوستار از بهنجار تا آسیب شناختی قرار می‌گیرد [۸].

کلونینجر^۳ [۹] یکی از نظریه پردازان زیستی شخصیت است که با نگاه و تأکید بر بنیان های زیستی شخصیت، چارچوب نظری مستحکمی در دو زمینه سرشت و منش^۴ پدید آورده است. مفهوم سرشت، در دیدگاه کلونینجر به تفاوت های فردی در زمینه پاسخ های هیجانی اساسی اشاره دارد، سرشت صفات ارثی هستند که در سراسر زندگی

5- novelty seeking
6- harm avoidance
7- reward dependence
8- persistence
9- self-transcendence
10- self- directiveness
11- co-cooperativeness
12- Celikel et al
13- Bowlby

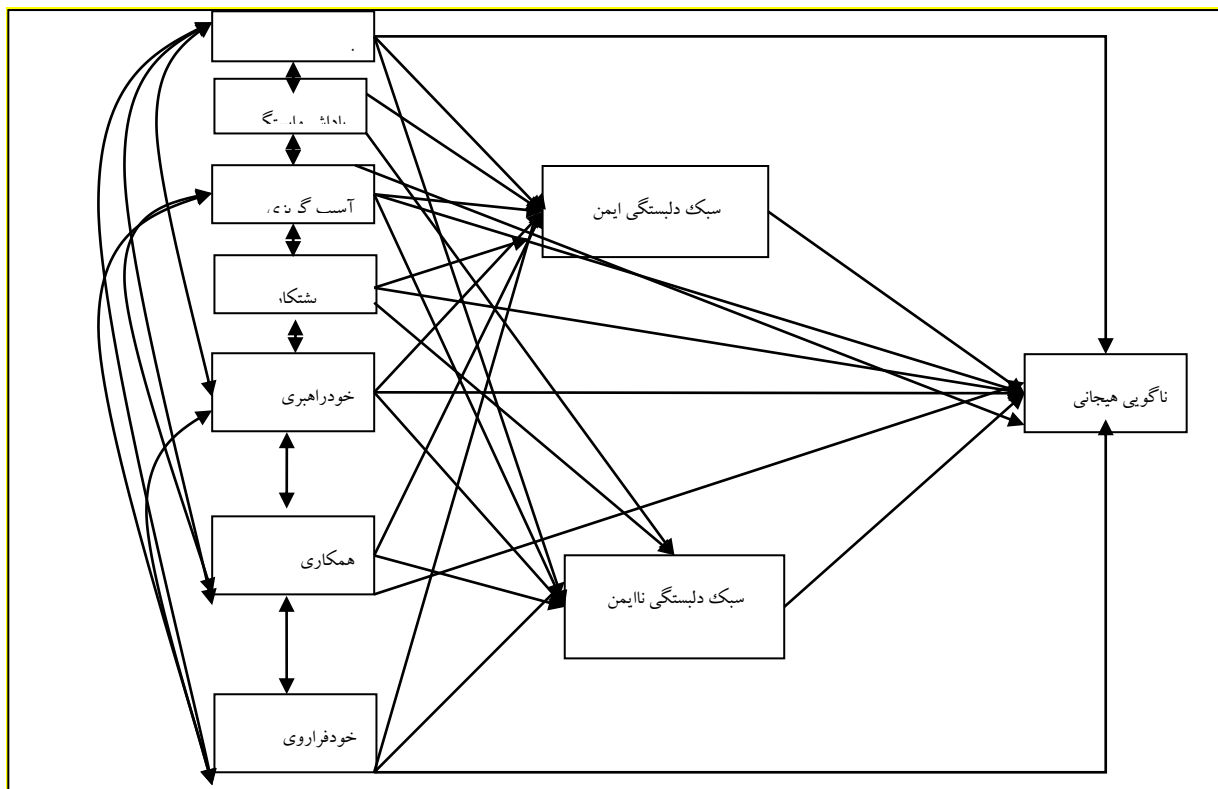
1- Syfenuos
2- alexithymia
3- Cloninger
4- temperament & character

سلامت روانی افراد است و سبک های دلبستگی نایمن را به عنوان یک عامل آسیب پذیری تأیید کرده اند [۲۷، ۲۸، ۲۹]. مطالعات دیگری نیز رابطه سبک های دلبستگی و آلکسی تایمیا را مورد بررسی قرار داده و نتایج نشان می دهد که ویژگی های مربوط به ناگویی هیجانی در سبک های دلبستگی نایمن بیشتر است [۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴]. گرچه شواهد موجود نشان می دهند که ویژگی های شخصیت با آلکسی تایمیا رابطه دارند، مطالعه متغیرهایی که احتمالاً می توانند در این رابطه نقش واسطه ای داشته باشند مورد غفلت قرار گرفته است. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه ای سبک های دلبستگی در رابطه بین ابعاد سرشت و منش شخصیت و آلکسی تایمیا بود و با توجه به بررسی انجام شده این متغیرها در یک مدل گنجانده نشده است بنابراین مدل پیشنهادی پژوهش به شرح زیر می باشد.

می سازد، به نحوی که تعامل با وی باعث احساس نشاط و شغف شود و وجود او به هنگام تنش، مایه ی آرامش باشد [۲۰].

بدنبال پژوهش های بالبی، اینسورث^۱ [۲۱] سبک های دلبستگی^۲ را به دو سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی نایمن طبقه بندی کرد که سبک نایمن شامل سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا و سبک دلبستگی نایمن اجتنابی است. افراد با پرورش سبک دلبستگی نایمن، شخصیتی بی عاطفه خواهند داشت که مشخصه آن کناره گیری هیجانی، فقدان احساس، ناتوانی در برقراری روابط محبت آمیز و عاطفی با دیگران است [۲۲].

بنابراین سبک های دلبستگی تعیین کننده قواعد عاطفی، شناختی و راهبردهایی است که واکنش های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می کند [۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶]. نتایج پژوهش ها به طور کلی نشان دهنده اهمیت انکارناپذیر سبک دلبستگی به عنوان یک عامل اساسی در



شکل (۱) الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر

1- Ainsworth
2- attachment style

روش

طرح پژوهش: پژوهش حاضر در چارچوب طرح‌های همبستگی انجام شد.

آزمودنی‌ها: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود، که از بین آنها ۳۰۰ دبیر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و پس از جلب رضایت و همکاری در این پژوهش شرکت کردند و از آنها خواسته شد پرسشنامه سرشت و منش، آلکسی تایمیا و سبک‌های دلبستگی بزرگسالان را تکمیل کنند. پس از اجرای پژوهش، ۳۰۰ پرسشنامه در مرحله فرضیه‌آزمایی تحلیل شدند.

ابزار

۱- پرسشنامه سرشت و منش (TCI): توسط کلونینجر [۹] ساخته شده است. این ابزار یک مقیاس خود-گزارشی مداد-کاغذی است که ۱۲۵ ماده دارد و آزمودنی به هر یک از سوالات بصورت بله، خیر پاسخ می‌دهد. این پرسش‌نامه برای سنجش خصلت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی ساخته شده است که یا از طریق وراثت (سرشت) یا از طریق محیط (منش) در فرد وجود دارد. این مدل هفت عامل را اندازه‌گیری می‌کند. پرسش‌نامه مذکور که توسط کاویانی و همکاران [۳۵] در ایران هنجارگزیی شده است، دارای پایایی روایی مناسب برای استفاده در پژوهش‌ها است. برای دست‌یابی به ضریب پایایی، به روش باز-آزمون عمل شد که نتایج گویای ضرایب قوی برای آزمون به این شرح است: نوجویی (۰/۸۶)، آسیب‌پرهیزی (۰/۸۸)، پاداش‌وابستگی (۰/۷۳)، پشتکار (۰/۷۹)، همکاری (۰/۸۶)، خودراهبری (۰/۹۰)، و خودفراوری (۰/۸۶). نتایج حاصل از روایی آزمون نیز گویای روایی خوب آزمون بین طیف ۰/۶۶ تا ۰/۹۰ برای خرده‌مقیاس‌ها است. روایی خرده‌مقیاس‌ها عبارت بود از: نوجویی (۰/۷۵)، آسیب‌پرهیزی (۰/۷۲)، پاداش‌وابستگی (۰/۸۷)، پشتکار (۰/۹۰)، همکاری (۰/۷۶)، خودراهبری (۰/۶۶) و خودفراوری (۰/۸۶) بوده است [۲۹]. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۷ بدست آمد.

۲- پرسشنامه آلکسی تایمیا تورنتو (FTAS): مقیاس آلکسی تایمیا تورنتو یک آزمون ۲۰ سوالی است و سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف

احساسات و تفکر عینی را در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) می‌سنجد [۳۶]. در نسخه فارسی مقیاس آلکسی تایمیا تورنتو ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل و سه زیرمقیاس دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲ و ۰/۷۵ و ۰/۷۲ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. پایایی بازآزمایی مقیاس آلکسی تایمیا تورنتو در یک نمونه ۶۷ نفری در دو نوبت با فاصله چهار هفته از ۰/۸۰ تا ۰/۸۷ برای ناگویی هیجانی کل و زیرمقیاس‌های مختلف تایید شد [۳۷]. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۸ بدست آمد.

۳- پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (AAI): پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان توسط هازن و شاور [۳۸] ساخته شده، یک ابزار خودگزارشی دهی است ۲۱ سوالی است و سه زیرمقیاس دلبستگی ایمن، دلبستگی ناایمن اجتنابی و دلبستگی ناایمن دوسوگرا (اضطرابی) را در طیف ۵ درجه‌ای از نمره ۱ (هیچ) تا نمره ۵ (خیلی زیاد) می‌سنجد. این مقیاس شامل توصیف‌هایی در زمینه احساسات فرد درباره ادراک او از روابط خود با افراد مهم زندگی فعلی وی می‌باشد. طاهری روایی این پرسش‌نامه را به وسیله همسانی درونی سبک‌های دلبستگی ۰/۵۵ تا ۰/۷۴ به دست آورد و پایایی آن را با استفاده از روش بازآزمایی در دلبستگی ایمن ($r=0/84$) و در دلبستگی ناایمن اضطرابی و اجتنابی ($r=0/78$) گزارش کرده است [۳۹]. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۶۵ بدست آمد.

روند اجرای پژوهش: جهت اجرای پژوهش ابتدا با توضیح هدف پژوهش و کسب رضایت، پژوهشگر پرسش‌نامه‌ها را توزیع و در طول پاسخ آزمودنی‌ها حضور فعال داشت که در صورت لزوم به پرسش‌های آزمودنی‌ها پاسخ دهد. پس از جمع‌آوری اطلاعات جهت تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (محاسبه میانگین، انحراف معیار و همبستگی مرتبه صفر پیرسون) استفاده شد. همچنین، جهت تحلیل‌های پیچیده‌تر برای ارزیابی برازندگی مدل پیشنهادی از تحلیل مسیر استفاده شد. تحلیل‌ها با استفاده از SPSS نسخه ۱۹ و AMOS نسخه ۱۶ انجام گرفتند.

یافته ها

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی

متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

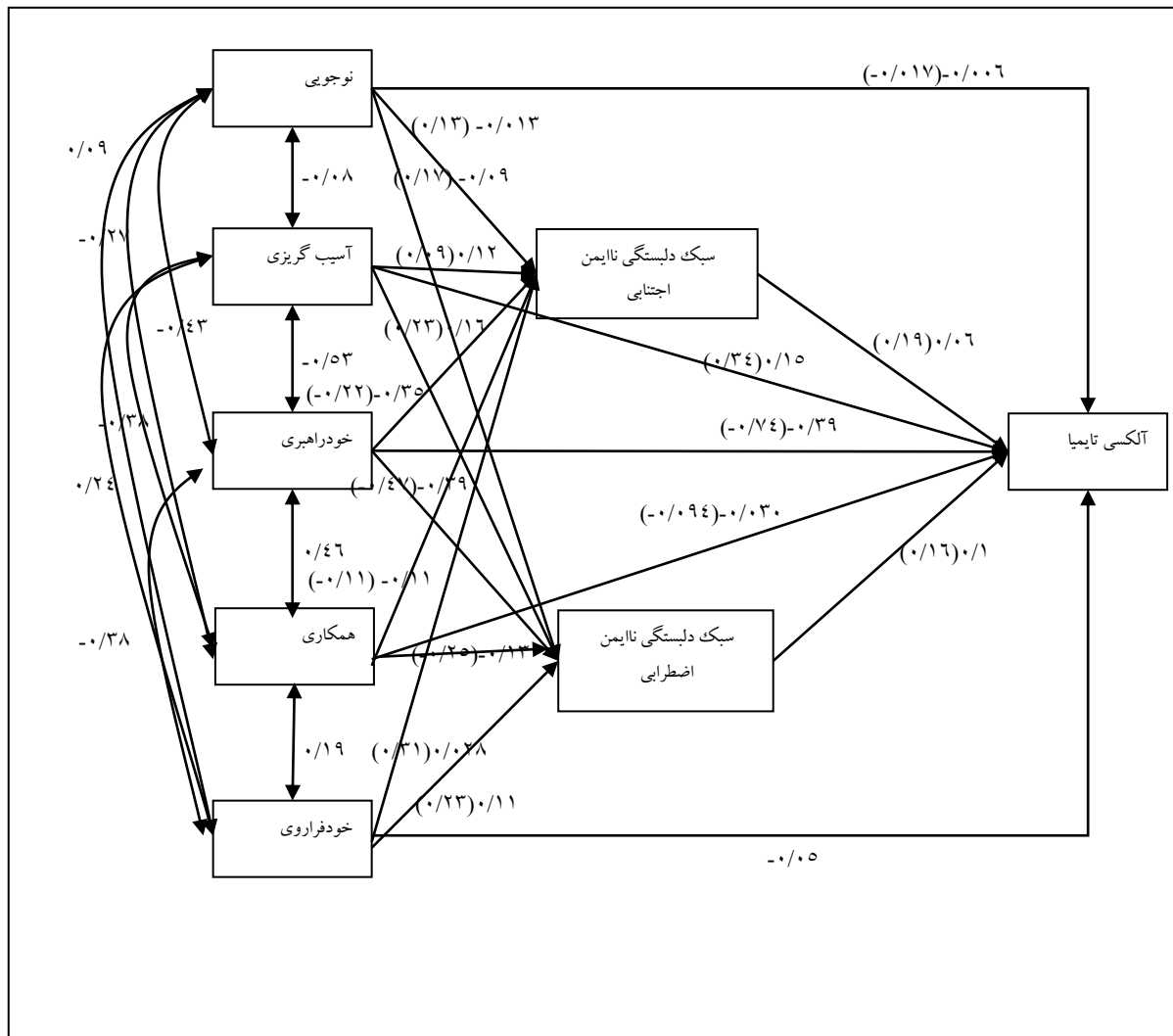
جدول ۱) ضرایب همبستگی ابعاد سرشت و منش، سبک های دلبستگی و آلکسی تایمیا

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	SD	MD	
										۱	۳/۱۵	۷/۷۲	نوجویی
									۱	-۰/۰۸۳	۴/۱۰	۷/۸۵	آسیب گرزی
								۱	-۰/۰۹۹	-۰/۱۱*	۲/۲۶	۸/۹۰	پاداش وابستگی
							۱	-۰/۰۶۹	-۰/۱۶**	-۰/۱۱	۱/۳۲	۳/۲۸	پشتکار
						۱	-۰/۱۱	-۰/۱۵**	-۰/۵۳**	-۰/۴۳**	۴/۹۰	۱۵/۹۲	خودراهبری
					۱	-۰/۴۰**	-۰/۷۷	-۰/۱۱*	-۰/۳۷**	-۰/۲۶**	۳/۰۸	۱۹/۱۱	همکاری
				۱	-۰/۱۸**	-۰/۲۴**	-۰/۱۵**	-۰/۰۷۸	-۰/۳۳**	-۰/۰۸۷	۲/۷۵	۱۱/۱۰	خودفراروی
			۱	-۰/۱۴*	-۰/۵۳	-۰/۳۰	-۰/۰۷۳	-۰/۱۴*	-۰/۱۵**	-۰/۱۳*	۳/۹۴	۴/۹۴	دلبستگی ایمن
		۱	-۰/۲۹**	-۰/۰۲۸	-۰/۱۲*	-۰/۰۸۱	-۰/۰۲۳	-۰/۲۸*	-۰/۱۵**	-۰/۰۸۲	۳/۱۰	۷/۷۰	دلبستگی ناایمن اجتنابی
	۱	-۰/۱۳*	-۰/۲۵**	-۰/۰۷۰	-۰/۳۶**	-۰/۵۳**	-۰/۱۲*	-۰/۲۲**	-۰/۳۸**	-۰/۲۹**	۵/۹۴	۱۴/۲۶	دلبستگی ناایمن اضطرابی
۱	-۰/۳۸**	-۰/۱۳*	-۰/۰۲۲	-۰/۰۲۱**	-۰/۰۳۱**	-۰/۰۵۴**	-۰/۰۳۳	-۰/۰۲۶	-۰/۴۳**	-۰/۲۱**	۹/۵۸	۴۹/۸۹	آلکسی تایمیا

**P<0/01, *P<0/05

شاخص نیز بین صفر و یک قرار می گیرد و اندازه نزدیک به یک حاکی از برازش مناسب است. شاخص NFI، برابر با ۰/۹۹۵، است این شاخص نیز بین صفر و یک قرار می گیرد و اندازه نزدیک به یک حاکی از برازش مناسب است. شاخص CFI، برابر با ۰/۹۹۷، است این شاخص نیز بین صفر و یک قرار می گیرد و اندازه نزدیک به یک حاکی از برازش مناسب است. شاخص IFI، برابر با ۰/۹۹۷، است این شاخص نیز بین صفر و یک قرار می گیرد و اندازه نزدیک به یک حاکی از برازش مناسب است. شاخص TLI، برابر با ۰/۹۰۶، است این شاخص نیز بین صفر و یک قرار می گیرد و اندازه نزدیک به یک حاکی از برازش مناسب است. و شاخص RMSEA، برابر با ۰/۰۷ می باشد و میزان کوچک تر آن، برازش بهتری را نشان می دهد. همان گونه که مشاهده می شود تمام مقادیر مربوط به شاخص های تطبیقی الگو، حاکی از برازش مناسب آن در این پژوهش می باشد.

برای آزمون فرض پژوهش با کمک نرم افزار لیزرل به تحلیل مسیر متغیرها پرداخته شد مفروضه های انجام تحلیل مسیر شامل روابط خطی میان متغیرها، توزیع طبیعی، استقلال خطاها می باشد [۴۰]. بنابراین با توجه به برقرار بودن پیش فرض ها می توان از تحلیل مسیر استفاده کرد. در تحلیل مسیر برای ارزیابی برازش الگو، آماره هایی به وسیله لیزرل عرضه می شود که از مهم ترین آنها مجذور خی است که نشان می دهد ساختار کوواریانس یافته ها با مدل پیشنهادی نظری مطابقت دارد یا خیر. یک الگو با برازش مناسب، باید دارای خی دو غیرمعنی دار باشد، که در پژوهش حاضر مقدار شاخص (χ^2/df) با ۲/۷۶ درجه آزادی ۱ و سطح معنی داری ۰/۰۹۶ می باشد. شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی (χ^2/df) برابر با ۲/۷۶ است که مطابق برخی منابع چنان چه این نسبت در دامنه ۲ الی ۵ قرار داشته باشد، حاکی از برازش مناسب الگو است. شاخص GFI برابر با ۰/۹۹۸ است این شاخص نیز بین صفر و یک قرار می گیرد و اندازه نزدیک به یک حاکی از برازش مناسب است. شاخص AGFI، برابر با ۰/۹۱۷، این



نمودار ۱) الگوی مسیر برای آزمون نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی در رابطه با ابعاد سرشت و منش و آلکسی‌تایمیا. ضرایب غیراستاندارد و استاندارد مسیرهای مستقیم موجود در مدل گزارش شده است. بررسی ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مسیرهای موجود در مدل نشان می‌دهد که

ضرایب تأثیر در مسیر بعدسرشتی نوجویی و آسیب‌گریزی و بعد منشی خودراهبری معنادار است.

جدول ۲) تحلیل مسیر ابعاد سرشت و منش شخصیت بر آلکسی‌تایمیا از طریق سبک‌های دلبستگی

مسیر	استاندارد (B)	غیراستاندارد	سطح معناداری
رابطه خودفراروی با آلکسی‌تایمیا از طریق سبک‌های دلبستگی‌ناایمن	0.12	0.43	0.01
رابطه خودراهبری با آلکسی‌تایمیا از طریق سبک‌های دلبستگی‌ناایمن	-0.41	-0.79	0.09
رابطه همکاری با آلکسی‌تایمیا از طریق سبک‌های دلبستگی‌ناایمن	-0.19	-0.60	0.02
رابطه آسیب‌گریزی با آلکسی‌تایمیا از طریق سبک‌های دلبستگی‌ناایمن	0.23	0.53	0.03
رابطه نوجویی با آلکسی‌تایمیا از طریق سبک‌های دلبستگی‌ناایمن	0.01	0.03	0.01

میان افراد مبتلا به آلکسی تایمیا به لحاظ ناتوانی هایشان در آگاهی هیجانی و پردازش شناختی، دشواری در توصیف و شناسایی هیجان ها مشاهده می شود. بنابراین زمانی که اطلاعات هیجانی نمی توانند در فرآیند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی گردند، افراد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی شده و این ناتوانی می تواند سازمان عواطف و شناخت های آن ها را مختل سازد. این افراد به دلیل عدم آگاهی هیجانی و ناتوانی در پردازش شناختی احساسات خود، معمولاً قادر به شناسایی، درک و یا توصیف هیجان های خود نیستند و توانایی محدودی در سازگاری با شرایط تنش زا دارند. یکی از روش های کنترل تنش مخصوصاً در مورد هیجان های منفی، تخلیه و بیان هیجان ناشی از تنش است. در صورتی که این هیجان ها تخلیه نگردند و فرد نتواند احساسات منفی خود را بصورت کلامی بیان کند منجر به پریشانی روانی و افزایش اضطراب می شود.

در تبیین رابطه خودراهبری پایین با آلکسی تایمیا می توان گفت که نمرات پایین در خودراهبری نشان دهنده ناپختگی و عدم رشد بوده و درکسانی دیده می شود که مفاهیم خودمختاری، ظرفیت و مسئولیت در ارتباط با خود و دیگران را به خوبی رشد نداده اند [۴۸]. کلونینجر [۴۹] معتقد است که خودراهبری شامل توانایی فرد در مدیریت رفتار است تا خود را با موقعیت های جدید تطبیق دهد و از این طریق به اهداف و ارزش های خود برسد. افرادی که در مقیاس خودراهبری نمره پایین می آورند ضعیف، شکننده، نکوهش گر، غیرمؤثر و غیرمسئول بوده و این افراد ادراک ضعیف تری از حمایت اجتماعی دارند و در مقابله با موقعیت های دشوار زندگی مهارت کمتری از خود نشان می دهند و بیشتر متکی به انگیزه های بیرونی هستند. آلکسی تایمیا با ویژگی دشواری درشناسایی و تنظیم هیجان با کاهش توانایی کنترل و تنظیم رفتار برای رسیدن به هدف و انزوای اجتماعی مرتبط است. آگاهی هیجانی ضعیف و عدم توانایی این افراد برای تنظیم عواطف و احساسات و رفتارهای انطباقی برای رسیدن به هدف منجر می شود که این افراد هدف مشخصی در زندگی نداشته باشند. این افراد به آن دلیل که افکارشان منشأ بیرونی دارد، وقایع را به محرکات بیرونی ارجاع می دهند نه به نگرش و احساساتی که در درون خودشان وجود

در جدول ۲ ضرایب استاندارد و غیراستاندارد اثرات غیرمستقیم جهت بررسی نقش واسطه ای سبک های دلبستگی در رابطه بین ابعاد سرشت و منش شخصیت و آلکسی تایمیا آمده است. نتایج جدول فوق نشان می دهد که ضریب استاندارد مسیر غیرمستقیم خودفراروی به آلکسی تایمیا از طریق سبک های دلبستگی نایمن ۰/۰۱۲، ضریب استاندارد مسیر غیرمستقیم خودراهبری به آلکسی تایمیا از طریق سبک دلبستگی نایمن ۰/۰۴۱-، ضریب استاندارد مسیر غیرمستقیم همکاری به آلکسی تایمیا از طریق سبک دلبستگی نایمن ۰/۰۱۹-، ضریب استاندارد مسیر غیرمستقیم آسیب گریزی به آلکسی تایمیا از طریق سبک دلبستگی نایمن ۰/۰۲۳ و ضریب استاندارد مسیر غیرمستقیم نوجویی به آلکسی تایمیا از طریق سبک دلبستگی نایمن ۰/۰۰۱، است که معنادار می باشند براین اساس ابعاد سرشت و منش زمانی به آلکسی تایمیا منجر می شود که فرد دارای سبک دلبستگی نایمن باشد.

بحث

پژوهش حاضر جهت بررسی نقش واسطه ای سبک های دلبستگی در رابطه بین ابعاد سرشت و منش و آلکسی تایمیا انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که بعد سرشتی نوجویی و آسیب گریزی و بعد منشی خودراهبری با آلکسی تایمیا اثر مستقیم دارد که این یافته با نتایج پژوهش [۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵] همخوان می باشد. نتایج پژوهش فتح الهی و همکاران [۴۷] نشان می دهد که آسیب پرهیزی ویژگی مشترک اختلالات هیجانی است و عمدتاً مسئول همپوشی مشاهده شده بین اختلالات هیجانی است. در تبیین این نتایج می توان گفت که عامل سرشتی نوجویی پایین و

آسیب گریزی بالا به خصوصیات چون عصبی بودن، ناامیدی، منفی گرایی، نگرانی، ترس از عدم قطعیت، شرم و خجالت در مواجهه با غریبه ها و خستگی و فرسودگی اشاره دارد. این آمادگی اثری باعث می شود که وقتی چنین افرادی با موقعیت ها و محرک های ناآشنا و پراسترس روبرو شوند، اضطراب بیش از حد از خود نشان می دهند [۹]. آسیب گریزی افراد را مستعد تجربه پریشانی و هیجان های منفی همچون اضطراب، ترس و نگرانی می کند صفاتی که در

های خود برای تغییر موقعیت شامل افکار، هیجان‌ها، تکانه‌ها، امیال، رفتارها و فرایندهای هیجانی را [۴۵] تبیین می‌کند. از سوی دیگر، مراقبت نابسند و ضعف و ناتوانی در حساسیت و پاسخدهی مادرانه به الگوی رفتار دلبستگی نایمن منتهی می‌شود و مانع تحول مهارت‌های موثر تنظیم عواطف و شناخت می‌گردد [۴۶]. مطابق این یافته‌ها، تجربه‌های هیجانی دوران کودکی نقش تعیین‌کننده در کنش‌وری یا نارساکنش‌وری‌های هیجانی بازی می‌کند. بنابراین در نظام دلبستگی نایمن، افراد دارای علائم ناسازگارانه در حیطه‌ی رفتاری و ارتباطی هستند، یعنی شکل‌گیری نظام دلبستگی نایمن موجب پدیدآیی رفتارهای منفی می‌شود که سرانجام اختلال در نظام سلامت را به همراه خواهد داشت. یک مفهوم کلیدی در نظریه‌ی دلبستگی که پیوستگی بین کیفیت روابط دلبستگی کودک و بزرگسال را مطرح می‌سازد، مفهوم مدل‌های درون‌کاری است. به نظر بالبی، در خلال سال‌های رشد نیافتگی، افراد برحسب تجاربشان با نگاره‌های دلبستگی و تعامل با محیط، مدل‌های درون‌کاریشان از جنبه‌های مهم جهان را می‌سازند و به کمک همین الگوهاست که شخص وقایع را درک و تفسیر، حوادث را پیش‌بینی و طرح‌هایی را بنا می‌کند. ویژگی اصلی سبک دلبستگی نایمن، عبارت است از نگرش منفی نسبت به خود و دیگران و بی‌اعتمادی کامل نسبت به دیگران. این ویژگی‌ها که به منزله مدل‌های درون‌کاری منفی محسوب می‌شوند، زمینه‌های شکل‌گیری آمادگی‌های دفاعی، مقاومت در برابر تأثیرات خارجی، محدودیت عواطف، بی‌اعتمادی و سؤظن نسبت به دیگران و سرزنش آنها را فراهم می‌سازند [۳۷]. این گرایش‌ها بخشی از ویژگی‌های است که در افراد مبتلا به آلکسی‌تایمیا مشاهده می‌شود. بنابراین سبک دلبستگی نایمن با مدل‌های درون‌کاری منفی می‌تواند زمینه را برای شکل‌گیری آلکسی‌تایمیا فراهم سازد. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که واریاسیون نقش‌سازهای شخصیتی و مؤلفه‌های مرتبط با تفاوت‌های فردی اهمیت قابل‌توجهی دارد. دلبستگی برای تکوین شخصیت و روابط بهنجار ضروری بوده و پایه‌ای برای سلامت روانی است. به‌طور کلی ابعاد دلبستگی هم‌جزء ویژگی‌های افراد و هم‌جزء ویژگی‌های رابطه و تعیین‌کننده اصلی شیوه تنظیم هیجان‌هاست. پیامدهای نتایج پژوهش حاضر

دارد. افراد مبتلا به آلکسی‌تایمیا در شناسایی صحیح هیجان‌ها از چهره دیگران مشکل دارند. شناخت صحیح هیجان‌ها از اجزاء اصلی یک رابطه است به همین علت ناتوانی افراد در شناخت صحیح هیجان باعث می‌شود که این افراد روابط صمیمانه محدود و همچنین عزت‌نفس پایینی داشته باشند. بنابراین آلکسی‌تایمیا با عدم رضایت از زندگی و فقدان حمایت اجتماعی پیوند می‌یابد.

همچنین دیگر نتایج پژوهش بیانگر آن است که سبک‌های دلبستگی نایمن می‌تواند در رابطه بین ابعاد سرشت و منش و آلکسی‌تایمیا نقش واسطه‌ای ایفا کند. نتایج پژوهش [۴۲، ۴۱] نشان می‌دهد عوامل ارثی و تفاوت‌های سرشتی مزاج در رفتار دلبستگی نقش مهمی دارند و ویژگی‌های سرشتی و مزاج بر فرآیند اجتماعی شدن و سیر آن در بزرگسالی مؤثر است. این الگوها، عملکرد فرد در طول زندگی را مشخص کرده و خصوصیات شخصیت وی را شکل می‌دهد افراد با ویژگی‌های سرشتی متفاوت هنگام تعاملات اجتماعی پاسخ و بازخوردهای متفاوتی را از محیط دریافت می‌کنند. بنابراین ویژگی‌های سرشتی و مزاج می‌تواند به عنوان عامل خطر ساز یا عامل حمایت‌کننده عمل کند. از طرف دیگر ارتباط با دیگران نیز تحت تأثیر این ویژگی‌ها قرار می‌گیرد، مطالعات نشان داده است که بسیاری از ویژگی‌های رفتاری مرتبط با دلبستگی در کنار ویژگی‌های سرشتی در روابط آینده‌ی افراد نقش مهمی دارد. بالبی بر اساس مشاهده‌ی ویژگی‌های روابط مادر و کودک در موقعیت‌های گوناگون به این نتیجه رسید که پیوند مادر و کودک مسئول تنظیم تجربه‌های عاطفی و رفتاری کودک است [۲۵].

روش تنظیم عواطف و رابطه با دیگران بر حسب حساسیت و پاسخدهی مادر به حالت‌های هیجانی کودک، شکل می‌گیرد [۱۸، ۴۳]. کودکان ایمن پاسخدهی بهینه و منسجم از مراقب اولیه تجربه می‌کنند و می‌آموزند که ابراز متعادل هیجان‌ها پیامدهای مثبت دارد. براین اساس، حساسیت و پاسخدهی مادرانه، که در عین حال از مقولات دلبستگی ایمن محسوب می‌شوند [۴۴] از طریق تشکیل و استقرار سبک دلبستگی ایمن در کودک، امکانات لازم را برای تنظیم عواطف و شناخت در اختیار وی قرار می‌دهند. این توانمندی، رابطه مثبت سبک دلبستگی ایمن را با تلاش

- 7- Mazaheri M, Afshar H. On the relationship between alexithymia and depression and anxiety in psychiatric patients. *J Fundam Ment Health*. 2010; 12: 466-75. [Persian].
- 8- Parker JD, Keefer KV, Taylor, GJ Bagby, RM. Latent structure of the alexithymia construct: A taximetrics investigation. *Psychol Assess*. 2008; 20: 385-96.
- 9- Cloninger CR. A unified biosocial theory of personality and its role in the development of anxiety states. *Psychiatr Dev*. 1986; 3:167-226.
- 10- Takeuchi M, Miyaoka H, Tomoda A, Suzuki M, Lu X, Kitamura T. Validity and reliability of the Japanese version of the temperament and character inventory: a study of university and college student. *Compr Psychiatry*. 2011; 52: 109-17.
- 11- Yang S, Sung J, Kim JH, Song YM, Lee K, Kim HN, et al. Some personality traits converge gradually by long-term partnership through the life course-genetic and environmental structure of cloningers temperament and character dimensions. *J Psychiatr Res*. 2015; 63: 43-9.
- 12- Celikel FC, Kose S, Erkorkmaz U, Sayar K, Cumurcu BE, Cloninger CR. Alexithymia and temperament and character model of personality in Patients with major depressive disorder. *Compr Psychiatry*. 2010; 51: 64-70.
- 13- Lee YJ, Yu SH, Cho SJ, Cho IH, Koh SH, Kim, SJ. Direct and indirect effects of the temperament and character on alexithymia: a pathway analysis with mood and anxiety. *Compr Psychiatry*. 2010; 51: 201-06.
- 14- Grabe HJ, Spitzer C, Freyberger HJ. Alexithymia and the temperament and character model of personality. *Psychother Psychosom*. 2001; 70: 261-67.
- 15- Picardi A, Toni A, Caroppo E. Stability of alexithymia and tis relationships with the big five factor, temperament, character, and attachment style. *Psychother Psychosom*. 2005; 74: 371-78.
- 16- Rice FP. Human development: a life-span approach, 4th ed. Translated by: Foroughan, M. C2001.
- 17- Khoshabi K . Nature (what is my child's temperamental ?). Tehran, publication Ghatreh. 2009. [Persian].
- 18- Bowlby J. Attachment and loss: Attachment. New York: Basic Books.1969.
- 19- Mikulincer M, Shaver P. Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality. *J res Pers*. 2005; 39: 22-45.
- 20- Sigelman CK, Rider EA. Life- span human development, 6th ed. USA: Wadsworth engage learning; 2009.
- 21- Mary D, Ainsworth M S, Mary C, Blehar, E W, Sally N. Patterns of attachment: A Psychological Situation, New York and London: Classic edition; 1987.

را می توان در دو سطح نظری و عملی به این شرح مطرح کرد در سطح نظری، یافته های پژوهش تأییدی است مجدد بر مفروضه های نظریه دلبستگی در مورد نقش سبک های دلبستگی و مدل های درونکاری در تنظیم عواطف و هیجان ها و در سطح عملی، یافته های پژوهش حاضر می توانند مبنای تجربی مناسب برای تدوین برنامه های آموزشی و بهداشتی در چارچوب روابط مادر- کودک قرار گیرد.

از محدودیت های پژوهش حاضر می توان به موارد زیر اشاره کرد: از آنجا که مطالعه حاضر از نوع همبستگی است از این رو استنباط روابط علی بین متغیرها ممکن نیست. ابزارهایی که در این مطالعه برای اندازه گیری متغیرها مورد استفاده قرار گرفته است، از نوع ابزارهای خودسنجی بود، و اینکه جامعه آماری پژوهش محدودیت هایی را در زمینه تعمیم یافته ها، تفسیرها و اسنادهای علت شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می کند که باید در نظر گرفته شوند. نمونه مورد بررسی دبیران زن شهر کرمانشاه بوده و در تعمیم یافته ها به سایر جمعیت ها باید احتیاط شود. همچنین پیشنهاد می شود به منظور شناخت بهتر تأثیرهای آسیب زای اختلال های دلبستگی بر فرایندهای هیجانی، رابطه این دو متغیر در نمونه های بالینی شامل نمونه های دچار اختلال های روان شناختی، اختلال های شخصیت و مشکلات خانوادگی و بین شخصی، بررسی شود.

منابع

- 1- Coolidge FL, Estay AJ, Segal DL, Marle PD. Are alexithymia and schizoid personality disorder synonymous diagnoses. *Compr Psychiat*. 2013; 54(2):141-48.
- 2- Chen J, Xu T, Jing J, Chan RC. Alexithymia and emotional regulation: A cluster analytical approach. *BMC Psychiat*. 2011; 23: 11:33.
- 3- Moriguchi Y, Komaki G. Neuroimaging studies of alexithymia: physical, affective, and social perspectives. *Bio Psycho Soc Med*. 2013; 7(1): 7-18.
- 4- Ricciardi L, Demartini B, Fotopoulou A, Edwards MJ. Alexithymia in neurological disease: A review. *J Neuropsychiatry Clin Neurosci*. 2015;1-9. <http://dx.doi.org/10.1176/appi.neuropsych.14070169>
- 5- Scarpazza C, Di Pellegrino G, Lådavas E. Emotional modulation of touch in alexithymia. *Emot*. 2014;14(3): 602-10.
- 6- van der Velde J, Gromann PM, Swart M, Wiersma D, de Haan L, Bruggeman R , et al. Alexithymia influences brain activation during emotion perception but not regulation. *Soc Cogn Affect Neurosci*. 2014; 10 (2): 285-93.

- cross- validation of the factor structur. *J psychosom Res.* 1994; 38(1): 23-32.
- 37- Besharat MA. Attachment styles and alexithymia. *Psychol res.* 2009; 24: 63-80. [persian].
- 38- Hazan, C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment process. *J Personal Soc Psychol.* 1987; 52: 511-24.
- 39- Taheri M. The relationship between Mothers attachment styles and social maturation of students mentally retarded students boys Shiraz. *J Hakim Res.* 2009; 7: 18-20. [Persian].
- 40- Beshlideh K. Research methods and statistical analysis of research examples using SPSS and Amos. Shahid chamran univ, Ahvaz-Iran , 2014.
- 41- MacDonald K, Berlow R, Thomas M. Attachment, affective temperament and personality disorders: A study of their relationships in psychiatric outpatients. *J affect disord.* 2013; 151: 932-41.
- 42 Hinnen C, Sanderman R, Sprangers MA. Adult attachment as mediator between recollections of childhood and satisfaction with life. *Clin Psychol Psychother.* 2009; 16(1): 10-21.
- 43- Bretherton I. Attachment theory: retrospect and prospect. In I. retherton & E. Waters (Eds.), *Growing points of attachment theory and research.* Monog Society Res Child Dev. 1985; 3:35.53
- 44- Bowlby J. *A secure base: clinical applications of attachment theory.* New York: Basic Books.1988.
- 45- Banfield JF, Wyland CL, Macrae CN, MunteTF, Heatherton TF. The cognitive neuroscience of self-regulation. In Baumeister RF, Vohs KD.(Eds.). *Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications.* New York: The Guilford Press. 2004.
- 46- Muriguchi Y, Maeda M, Igarashi T, IshikawaT, Shoji, M, Kubo Cha, Komaki G. Age and gender effect on alexithymia in large Japanese community and clinical samples: A cross-validation study of the Toronto Alexithymia Scale (TAS-20). *Bio Psychosoc Med.* 2007; 6: 1-7.
- 47- Fathollahi S, Bakhshipour-RudsariA, HashemiNosratabadi T, Farnam A, Vosughi A. Structural Relation of Temperament and Character Components of Personality with Emotional Disorders. *J Clin Psychol.* 2015; 2 (26): 61-76. [Persian].
- 48- Soderstrom H, Rastam M, Gillberg C. Temperament and Character in Adults with Asperger Syndrome. *Autism.* 2002; 6: 287-97.
- 49- Cloninger CR. Differentiating normal and deviant personality by the seven factor personality model. In Strack S., Lorr, M. (Eds.), *Differentiating Normal and Abnormal Personality.* New York: Springer Publishing Co.1994.
- 22- Borhani Y. Substance abuse and insecure attachment styles: a relational study. *J Tran discip Writ res Claremont grad univ.* 2013; 2(1): 142-59.
- 23- Baker CN, Horger M. Parental childrearing strategies influence self-regulation, socio emotional adjustment, and psychopathology in early adulthood: Evidence from a retrospective cohort study. *Personal individ differ.* 2012; 52: 800-5.
- 24- Grugnola CR, Tambelli R, Spinelli M, Gazzotti S, Caprin C, Albizzati A. Attachment patterns and emotion regulation strategies in the second year. *Infant behav and dev.* 2011; 34: 136-51.
- 25- Gresham D, Gullone E. Emotion regulation strategy use in children and adolescent: The explanatory roles of personality and attachment. *Personal Individ Differ.* 2012; 52: 616-21.
- 26- Berdiozounidavaji R, Valizadeh SH, Nikmal M. The relationship between attachment styles and suicide ideation: The study of Turkman student. *Procedia Soc Behav sci.* 2010; 5: 1190- 940.
- 27- Ozturk A, Mutlu T. The relationship between attachment style, subjective well-being, happiness and social anxiety among university student. *Proced Soc Behav Sci.* 2010; 9:1772-76.
- 28- Korver N, Meijer C, Haan LD. The relationship between insecure attachment and psychotic symptoms: preliminary results. *Schizophr Res.* 2010; 117 (2-3): 521-30.
- 29- Morley TE, Moran G. The origins of cognitive vulnerability in early childhood: Mechanisms linking early attachment to later depression. *clin psychol rev.*2011; 31:1071-82.
- 30- Taylor GJ, Bagby RM, Kushner SHC, Benoit D, Atkinson, L. Alexithymia and adult attachment representations: Associations with the five-factor model of personality and perceived relationship adjustment. *Compr Psychiatr.* 2014; 55(5): 1258-68.
- 31- Oskis A, Clow A, Hucklebridge F, Bifulco A, Jacobs C. Understanding alexithymia in female adolescents: The role of attachment style. *Personal individ differ.*2013; 54: 97-102.
- 32- Besharat MA, Shahidi V. The moderating role of attachment style on the relationship between alexithymia and interpersonal problems in an Iranian population. *Int J Psychol Stud.* 2013; 5:60-7.
- 33- Besharat MA, Khajavi Z. The relationship between attachment style and alexithymia: Mediating role of defense mechanisms. *Asian j psychiatry.* 2013; 6: 571-76.
- 34- Hesse C, Floyd K. Affection mediates the impact of alexithymia on relationship. *Personal Individ Differ.* 2011; 50: 451-56.
- 35- Kaviani, H. Reliability and validity of Temperament and Character Inventory in an Iranian population. *J Fac Med, Univ Med Sci.* 2005; 2: 98-89. [Persian].
- 36- Bagby RM, Parker JD, Taylor G J. The twenty-item torento Alexithymia scale: I item selection and

Mediating Role of Attachment Styles in Relationship between Temperament and Character Dimensions and Alexithymia

Karami, J. Ph.D., Yazdanbakhsh, K. Ph.D., Karimi, P. *M.A.

Abstract

Introduction: Temperament differences play important role in attachment behavior. Attachment style is main determinant of emotion regulation method which takes shape in childhood in mother-child relationship framework. So purpose of present study was to determine mediating role of attachment styles in relationship between temperament and character dimensions and alexithymia.

Method: The method was correlational research design and statistical population consisted all of female teachers who work in Kermanshah's education in 2013-2014 academic years. The sample include 300 teachers that were chosen by multi-stage cluster sampling and were participated in this research after consent for cooperation and they were asked to complete Cloninger's Temperament and Character Inventory (TCT), Toronto alexithymia scale (FTAS) and Adult Attachment Styles Inventory (AII). The data analysis was done by correlation coefficient and path analysis.

Results: According to the results, proposed model for relationship between above variables has acceptable fit. The results of path analysis showed that aspects of innovativeness and harm avoidance and self-directedness temperament have direct effect on alexithymia. Also aspects of innovativeness and harm avoidance and self-directedness, cooperativeness and self-transcendence temperament with alexithymia has indirect effect in mediation of insecure attachment styles and there is positive and significant relationship between aspects of harm avoidance temperament, innovativeness and cooperativeness temperament, self-transcendence with anxiety insecure attachment style.

Conclusion: According to findings of this research, we could conclude that unsecure attachment style between temperament and character dimension and alexithymia have mediator role.

Keywords: attachment styles, temperament and character, Alexithymia

*Correspondence E-mail:
parvane.kareme1367@gmail.com